

دختر آسیابان

مارگارت دیکنسون

مترجم: مریم مفتاحی



ناشر برگزیده ویژه سال ۱۳۹۲

سرشناسه	: دیکنسون، مارگارت، ۱۹۴۲-م. Dickinson, Margaret
عنوان و نام پدیدآور	: دختر آسیابان / مارگارت دیکنسون؛ ترجمه مریم مفتاحی.
مشخصات نشر	: تهران: آموت، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۶۲۴ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۰۵-۶۴-۷
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: The Miller's Daughter, c1997.
موضوع	: داستان‌های انگلیسی -- قرن ۲۰ م.
سناسه افزوده	: مفتاحی، مریم، ۱۳۴۳-، مترجم.
بدی کنگره	: PZ ۳/د ۹۸۲۴ د ۳۱۳۹۳
رده‌بندی دیوید	: ۸۲۳/۹۱۴
شماره کتابخانه	: ۳۵۶۴۹۸۱



نام: فریده ویژه سال ۱۳۹۲

نویسنده: آسیابان

(رمان)

مارگارت دیکنسون

ویراستار: عارفه بهمن

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

حروفچینی: شهیر

نمونه خوانی: مینا فرشی احمدی - رکسانا تقوی

لیتوگرافی و چاپ: ترانه

نشر آموت

تلفن: ۰۶۶۴۹۹۱۰۵ - ۰۶۶۴۹۹۲۳؛ تلفن همراه: ۰۹۳۶۰۳۵۵۴۰۱

پست الکترونیکی: aamout@gmail.com

وبسایت: www.aamout.com

اینستاگرام: www.instagram.com/aamout

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۶۰۵ - ۶۴ - ۷ - 64 - 6605 - 600 - 978

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۰۵-۶۴-۷

فهرست

۹	مقدمه و ترجمه
۱۳	بخش اول
۱۵	فصل اول
۱۵	لینکلن شایر ۱۹۱۸
۲۳	فصل دوم
۳۱	فصل سوم
۴۳	فصل چهارم
۵۵	فصل پنجم
۶۷	فصل ششم
۷۹	فصل هفتم
۸۹	فصل هشتم
۱۰۱	فصل نهم
۱۱۷	فصل دهم
۱۳۵	فصل یازدهم
۱۴۷	فصل دوازدهم
۱۶۱	فصل سیزدهم

۱۷۵	فصل چهاردهم
۱۸۵	فصل پانزدهم
۲۰۳	فصل شانزدهم
۲۱۵	فصل هفدهم
۲۲۵	فصل هجدهم
۲۳۷	فصل نوزدهم
۲۴۳	فصل بیستم
۲۴۹	فصل بیست و یکم
۲۵۹	فصل بیست و دوم
۲۷۱	فصل بیست و سوم
۲۸۳	بخش دوم
۲۸۵	فصل بیست و چهارم
۲۹۷	فصل بیست و پنجم
۳۰۵	فصل بیست و ششم
۳۱۷	فصل بیست و هفتم
۳۲۷	فصل بیست و هشتم
۳۴۱	فصل بیست و نهم
۳۵۵	فصل سی ام
۳۶۷	فصل سی و یکم
۳۷۷	فصل سی و دوم
۳۸۷	فصل سی و سوم
۳۹۹	فصل سی و چهارم

۴۱۷	فصل سی و پنجم
۴۲۵	فصل سی و ششم
۴۳۳	فصل سی و هفتم
۴۴۱	فصل سی و هشتم
۴۵۱	فصل سی و نهم
۴۶۳	فصل چهل
۴۷۱	فصل چهل و یکم
۴۸۳	بخش سوم
۴۸۵	فصل چهل و دوم
۴۹۵	فصل چهل و سوم
۵۰۳	فصل چهل و چهارم
۵۱۷	فصل چهل و پنجم
۵۳۱	فصل چهل و ششم
۵۴۵	فصل چهل و هفتم
۵۵۳	فصل چهل و هشتم
۵۶۵	فصل چهل و نهم
۵۷۷	فصل پنجاهم
۵۸۱	فصل پنجاه و یکم
۵۸۹	فصل پنجاه و دوم
۵۹۹	فصل پنجاه و سوم
۶۰۵	فصل پنجاه و چهارم
۶۱۳	فصل پنجاه و پنجم

مقدمه مترجم

رمان دختر آسیابان تنها سرگذشت یک زن نیست؛ بلکه سرگذشت نسل زنانی است که همه شایستگی های خود و علیرغم به دوش کشیدن بار سنگین زندگی، برابرانه سهمشان بلکه وجودشان را نیز در طول قرن های متمادی به رسمت شناخته. داستان این رمان نشانگر تفکر و چهره جامعه اروپایی در ۱۰۰ سال گذشته است.

گرچه قصد نویسنده نشان دادن جایگاه زنان در فرهنگ حاکم، در سال های نه چندان دور در اروپاست، در عین حال توانسته است به ظرافت و وضوح، اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن سال ها را منعکس کند و تحولات ناشی از جنگ های جهانی را که بین سال های ۱۹۱۴ تا ۱۹۴۵ رخ داد، به خواننده خود بشناساند. قهرمانان داستان درگیر در جنگ اول و دوم هستند؛ زیرا دو جنگ جهانی خانمان برانداز به فاصله نهمین سال به وقوع می پیوندد و یک نسل هم خود و هم فرزندانش قربانی می شود. وراثتی ها، سرگردانی ها و صدمات روحی و اقتصادی ناشی از جنگ را تحمل می کند.

رمان دختر آسیابان واقعیت بزرگی را بر ملا می کند: اگر امروز، دنیای غرب پرچم دار برابری و آزادی زنان است، تا چند دهه قبل تا آنجا که می توانست سعی در نادیده گرفتن زن و محدود و محکوم کردن وی می کرد و تنها زمانی که جنگ جهانی دوم و مبارزه با ارتش قدرتمند نازی، مردان را از بازار کار و

کارخانه به جبهه‌ها کشاند، جامعه به نیمه محکوم خویش محتاج شد؛ آنگاه از سر ناچاری لحن و چهره دوستانه به خود گرفت و با شعارهای مهیج، زنان را به ترک خانه و آشپزخانه و به دست گرفتن چرخ تولید و اقتصاد تشویق کرد. البته این تحول به معنای حضور برحق زنان در جامعه نبود؛ زیرا در آن سال‌ها سال‌های بعد نیز زنان برای به دست آوردن تحصیلات عالی و ارتقای شغلی و شرکت در مدیریت جامعه مبارزه کردند و راهی طولانی در پیش گرفتند. کما اینکه دانشگاه‌ها روارود و کلمبیا از پذیرفتن زنان در مقاطع عالی خودداری می‌نمودند. دانشگاه ویرجینیا نیز تا سال ۱۹۶۰ از پذیرفتن زنان در مقطع دکترای خودداری کردند. گوردون آلپورت، روانشناس مشهور و برجسته، از پذیرفتن زنان در مقطع دکترای خودداری کرد و گفته بود: «ما از پذیرش زنان در اینجا متنفریم. ۷۵ درصد شما ازدواج می‌کنید، بچه‌دار می‌شوید و مرکز دوره خود را تمام نمی‌کنید. بقیه شما هم به هر حال به چیزی نمی‌ارزید!»

اما فارست، دختر آسیابان، در چنین فضایی زندگی نمی‌کند. نگاه حقیرانه جامعه، به خصوص پدرش، به او اجازه نمی‌دهد که به خود توانایی‌های تحسین برانگیزش، خود را بیرون از خط و مرزهای خانگی که برایش کشیده شده، ببیند و باور کند.

اما در طول زندگی خود از تبعیض‌ها و خواسته نشدن‌ها رنج می‌برد. خود را غاصب جای پسری می‌بیند که پدرش اشتیاق تولدش را داشت. پدری که ناکامی و بغض این نداری را بابایی توجهمی، بی‌مهری و جفاپیشگی به‌ایما تسکین می‌دهد و تا بدانجا سقوط می‌کند که حاضر می‌شود برای به دست آوردن نوه پسر، با دختر و عشق او به قمار بنشیند.

اما با وجود تمام این رنج‌ها و موانع، با رفتارهای غلط دوران خود مبارزه

می‌کند و شایستگی‌های خود را برای وارث آسیاب بودن اثبات می‌کند و در نهایت خود را می‌یابد. با این حال به عنوان یک زن نتوانست قدرت و بینش مبارزه با افکار مرد محور زمانه را در خود پرورش دهد. اما اگرچه برای دفاع از موجودیت خویش تسلیم محدودیت و نگاه حقیرانه پدر خود نمی‌شود؛ ولی در نهایت جامعه زورمند و مسلط موفق شد ریشه باورهایش را بسوزاند. او در واقع، شهادت خط بطلان کشیدن بر افکار گذشتگان و تغییر عقایدش را بر دست نمی‌آورد و سرانجام تسلیم افکار آن‌ها می‌شود. گویی زمان پذیرش اندیشه‌های مرد فراتر رفته بوده.

در پایان باید گفت اگر بگوییم رمان آیینۀ گویای هر جامعه و زمانه است، رمان دختر آسیابان نیز چهار زن را در سال‌های نه چندان دور اروپا به خوبی نمایان می‌کند. آنچه اروپا امری جدید آن است، بی‌شک نتیجه مجاهدت‌های زنانی است که خود و جنس خود را باور داشته‌اند... و هنوز راهی بس طولانی پیش روست.